

# اجرای صحیح خصوصی سازی نیاز به اصلاح ساختارهای اقتصادی دارد

پس از خروج لهستان از نظام کمونیستی، این کشور گام‌های بلندتری در زمینه خصوصی سازی برداشت و در اول ژانویه ۱۹۹۰ برنامه‌ای موسوم به انفجار بزرگ در این کشور اجرا شد.

خصوصی سازی در ترکیه نیز با هدف ایجاد مکانیزم بازار، کاهش دخالت دولت، تقویت رقابت، کاهش بار مالی، توسعه بازار سرمایه با اشاعه مالکیت سهام، تخصیص بودجه مناسب از سال ۱۹۸۰ انجام شد.

در این کشور شرکت‌های دولتی پس از طی مراحل نظیر تغییر اساسنامه، حسابرسی و ارزیابی، شرکت به سازمان مشارکت عمومی منتقل و در فرآیند خصوصی سازی قرار گرفتند.

خصوصی سازی در این کشور به صورت عرضه سهام به عموم و فروش یکجای بنگاه صورت گرفت.

مکزیک نیز از دیگر کشورهایی بود که در دهه ۱۹۸۰، بخش عمومی بزرگی داشت و مشکلات متعددی را از همین ناحیه در اقتصاد خود تجربه می‌کرد.

بنابراین دولت مکزیک واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی را با اهدافی نظیر افزایش کارایی اقتصاد و تقویت مالی عمومی با منابع حاصل از فروش شرکت‌ها و تشکیلات دولتی، حذف پرداخت‌های انتقالی دولت از سال ۱۹۸۲ آغاز کرد.

نوجه به روند خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه بیانگر آن است

که این کشورها نظیر کشورهای توسعه یافته صنعتی در دوران خاصی از رشد خود یعنی دوره خیز اقتصادی، نیازمند دخالت قدرتمندانه دولت هستند.

در این دوران دولت با سرمایه گذاری در بخش‌های غیرسودآور اما ضروری، رفاه جامعه را تامین و زمینه لازم برای ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی که خود شرط لازم برای جذب سرمایه گذاری اهم از داخلی و خارجی است، را ایجاد می‌کند.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، به دلیل ضعف ساختارهای دولتی و ضعف عمومی ساختارهای اقتصادی، دولت‌ها نمی‌توانند سیاست‌های خصوصی سازی و تقویت بخش خصوصی را به درستی و با نتایج منطقی به انجام رسانند.

بررسی تجارب کشورهای نظیر آلمان شرقی، روسیه، رومانی و ترکیه نشان می‌دهد که رعایت نکاتی نظیر عدم شتابزدگی، منظم، پیوسته و تدریجی بدون فرآیند خصوصی سازی، گسترش مستقیم و همزمان تامین اجتماعی، در نظر گرفتن قشر متوسط و ضعیف جامعه، نقش بسزایی در موفقیت فرآیند خصوصی سازی داشته است.

بکارگیری سیاست‌های جبرانی برای رفع ضایعات و آثار منفی ناشی از خصوصی سازی در نیروی کار و تشکیل نظام جامع تامین اجتماعی و چتر حمایتی بیمه‌ای گسترده برای ایجاد اطمینان خاطر نیروی کار می‌تواند از تبعات منفی گذر از نظام متمرکز و دولتی به سیستم بازار بکاهد.

به اعتقاد برخی کارشناسان، خصوصی سازی در ایران از برنامه اول توسعه اقتصادی تاکنون بدون تغییر سیاست‌های جبرانی و ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی صورت گرفته که به بیکاری و اخراج کارگران بسیاری از صنایع نظیر نساجی‌ها منجر شده است.

به اعتقاد کارشناسان، مشارکت کارگران در منافع حاصل از خصوصی سازی به روش‌های مختلف نظیر واگذاری سهام به کارگران در کنار ایجاد نظام جامع

تامین اجتماعی از راه‌های موثر در جلوگیری از متضرر شدن نیروی کار در فرآیند خصوصی سازی و اعتصابات کارگری خواهد بود.

برخی کارشناسان با تاکید بر بسترسازی برای خصوصی سازی، نبود زمینه‌های مناسب در این فرآیند را از دلایل عدم موفقیت فرآیند خصوص سازی در کشور می‌دانند چرا که به دلیل ضعف ساختارهای دولتی و اقتصادی اجرای خصوصی سازی اصولی و مناسب در شرایط کنونی با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.

در هر حال تعهد خریداران برای بهبود و افزایش کارایی شرکت‌ها و نظارت

خصوصی سازی سیاسی اقتصادی در راستای ایجاد تعادل میان دولت و دیگر بخش‌های اقتصادی با هدف ایجاد شرایط رقابت کامل، افزایش کارایی، تجدید ساختار، افزایش سرمایه گذاری و اشتغال‌پذیری برای نیل به اهداف مختلف اقتصادی در چند دهه گذشته در بیش از ۱۰۰ کشور جهان بوده است.

با وجود اینکه خصوصی سازی نتیجه شرایط و مقتضیات سیاسی، اقتصادی در کشورهای اروپایی بود، بکارگیری آن، در کشورهای جهان سوم باید با شرایط اقتصادی و سیاسی متفاوت و با احتیاط و دقت کامل صورت گیرد.

خصوصی سازی در کشورهای اروپایی پیش زمینه موفقیت‌های گسترده دیگری بود، اما با وجود تفاوت‌های اساسی در طرز تفکر حاکم بر جامعه، یافت اجتماعی و اطلاعات و دانش فنی مردم کشورهای در حال توسعه نظیر ایران با غربی‌ها، اعمال این راهبرد به تقلید از آنها ناممکن خواهد بود.

به اعتقاد کارشناسان، این راهبرد باید با بافت جوامع در حال توسعه تطبیق و متناسب با محدودیت‌های این جوامع اعمال شود.

بی توجهی به جنبه‌های خصوصی سازی می‌تواند، عواقب نامطلوبی به دنبال داشته باشد به طوری که مزایای اقتصادی آن را تحت الشعاع قرار دهد.

بنابراین برای یافتن یک طرح کامل و همه جانبه، تجارب سایر کشورهای در حال توسعه در این زمینه باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

موج خصوصی سازی، در جهان به پیشنهادی انگلستان شروع شد، به طوری که از سال ۱۹۷۹ و در جریان مبارزه میان حزب محافظه کار و حزب کارگر و با روی کار آمدن مارگارت تاچر و شروع فعالیت‌های وی در میدان اقتصادی

موجی از خصوصی سازی در این کشور شکل گرفت.

با طرح شعار عقب رفتن مرزهای دولت توسط محافظه کاران، واگذاری موسسه‌های عمومی به بخش خصوصی و آزادسازی برای ایجاد رقابت هر چه بیشتر موسسه‌های دولتی به دوروش عرضه سهام به عموم و فروش مستقیم صورت گرفت.

در آغاز دهه ۱۹۹۰ دامنه بخش عمومی در انگلستان تا بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت و واگذاری‌های بیشتری در دستور کار این کشور قرار گرفت.

پیشگامی انگلستان در واگذاری فعالیت‌های اقتصادی سبب شد تا بسیاری از کشورها باز دیگر اقتصاد خصوصی را در دستور کار خود قرار دهند و خصوصی سازی را ترویج کنند.

فرانسه نیز در سال ۱۹۸۶ سیاست واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی با هدف گسترش سهام و افزایش نقش بازار سهام، افزایش کارایی شرکت‌های دولتی و کاهش بار مالی دولت آغاز کرد.

واگذاری‌ها در فرانسه شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، گروه‌های صنعتی و شرکت‌های مخابراتی و خدماتی بود، به طوری که بانک‌های سوسیته و پاریس باس و شرکت بیمه‌ای ای جی اف و گروه بیمه یو.ا.بی و چند گروه صنعتی و شرکت‌های مهم خدماتی و تبلیغاتی در سال ۱۹۸۶ تا یک سال واگذار شد.

در شبلی خصوصی سازی با هدف افزایش کارایی، مهار تورم و ایجاد درآمد برای دولت به صورت عرضه عمومی سهام، فروش سهام به کارکنان، فروش مستقیم و فروش به صندوق بازنشستگی انجام شد.

دولت شبلی با اصلاح نظام مالیاتی اقدام به آزادسازی در تجارت خارجی، کاهش یارانه‌های پرداختی، مقررات زدایی در بازار سرمایه، لغو اتحادیه‌های کارگری و اصلاح قانون کار کرد.

در لهستان نیز تلاش برای اصلاحات در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، این اصلاحات شامل حذف تخصیص منابع به صورت متمرکز، آزاد کردن شماری از قیمت‌ها و برداشتن گام‌های تجربی برای فراهم کردن انگیزه برای بنگاه‌ها بود.

در این کشور الگوهای مختلفی برای گذر از نظام متمرکز و شیوه واگذاری مالکیت از دولت به گروه‌ها، افراد و نهادها ارایه شد.

به طوری که در یک الگو شرکت‌های دولتی پس از تبدیل به شرکت‌های سهامی به نهادهای مالی نظیر بانک‌ها و صندوق‌های بیمه فروخته شد و در الگوی دیگر، مالکیت شرکت‌های دولتی به گروه‌های مختلفی نظیر تعاونی‌ها، شهرداری‌ها، اتحادیه‌های کارگری و در نهایت کارگران واگذار شد.

دقیق بر این تعهدات، گسترش مستقیم و همزمان تامین اجتماعی، مدنظر قرار دادن قشر متوسط اجتماعی در واگذاری‌ها به همراه تقویت مالی آنها، نظارت دولت پس از واگذاری و نیز فراهم کردن نقدینگی کافی به همراه استفاده از سرمایه‌های خارجی زمینه ساز اجرای صحیح فرایند خصوصی سازی خواهد بود.

وزیر امور اقتصاد و دارایی نیز با توجه به برنامه‌های خصوصی سازی در کشور اظهار داشت: خصوصی سازی در شرایطی که دولت فرآیند تکاپوی تدوین چهارمین برنامه توسعه اقتصادی است، همچنان به عنوان کلید اصلی رونق اقتصاد ایران در سال‌های آتی شناخته می‌شود.

طهماسب مظاهری، افزود: سال‌های متمادی از تسلط بی‌چون و چرای تفکرات دولتی بر اقتصاد ایران می‌گذرد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد این گونه سیاست‌ها هیچ‌گاه التیام بخش مشکلات اقتصاد ایران نبوده است. وی تاکید کرد، دولتی مانند صنایع، بانک‌ها، بیمه‌ها و سایر شرکت‌ها در طول سال‌های گذشته ضروری بود، ولی اکنون توجیهی برای حاکمیت بی‌چون و چرای دولت باقی نمی‌ماند.

مظاهری با اشاره به نوسانات روند خصوصی سازی در چند سال گذشته تصریح کرد، تفکر خصوصی سازی در سال‌های دهه ۷۰ قابل اجرا نبود و اجرای آن با توقف‌های گزرا و نوسانات فراوان مواجه شد.

به گفته وی، شرایط به نحوی تغییر یافته است که اکنون همه نهادها از جمله مجلس شورای اسلامی خصوصی سازی را فوش داری اقتصاد ایران می‌دانند. از طرفی شتاب در برنامه‌های خصوصی سازی علاوه بر اینکه گرایش دولتی شدن مجدد بنگاه‌های واگذار شده را مهیا می‌کند، موجب از بین رفتن فضایی که بخش خصوصی برای رشد نیازمند آن است، می‌شود.

سرعت در انجام برنامه‌های خصوصی سازی و بازسازی ساختار بنگاه‌ها، از دیدگاه‌های غالب در اجرای برنامه‌های خصوصی سازی در دنیا محسوب می‌شود.

بر اساس این دیدگاه باید برنامه‌های خصوصی سازی را بدون وقفه و به طور یکپارچه و در مدت زمان کوتاه اجرا کرد.

این نظریه در یک زمان با چالش جدی مواجه شد زیرا افزایش کارایی اقتصاد ملی که از عمده‌ترین اهداف کلان اجرای برنامه‌های خصوصی سازی است، تنها با بازسازی ساختار بنگاه‌های اقتصادی، میسر می‌شود و این امر نیز نیازمند گذشت زمان است.

اجرای شتابزده برنامه‌های خصوصی سازی علاوه بر ایجاد بازارهای غیرقابل کنترل مالی گسترده‌تر از بقیه بازارها، سبب بسط مانی و کاهش محدودیت بودجه شرکت‌های دولتی می‌شود که این امر برخلاف اهداف اصلی خصوصی سازی است.

بهدی آزادواری